

کلیدواژه‌ها:
مشارکت،
تولید علم،
تشکل‌های
صنعی

در ضرورت ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان

سید امیر رون

اروپایی، معلمان با وجود دریافت حقوقی معادل یک کارگر ماهر، از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردارند [براهنی، ۶۴]. بنابراین، تقویت جایگاه، نقش و شأن و منزلت اجتماعی معلمان، ضرورت و اهمیت توجه همه جانبه را به خوبی نشان می‌دهد. لذا برای تقلیل بسیاری از مشکلات و کاستن از آلام و دردهای مزمن نظام تعلیم و تربیت، طراحی نظام جامعی که بتواند با تکیه بر اصول و روش‌های متقن معتبر علمی، مبتنی بر مبانی دینی و بومی و به تبع آن بسیج همه امکانات و ظرفیت‌ها، وضعیت معلمان، این سرمایه‌های عظیم در بدنه آموزش و پرورش را سامان دهد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود.

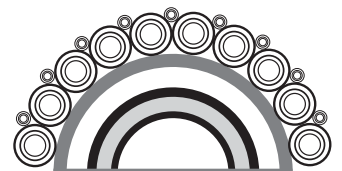
آن‌چه در ادامه این مطلب می‌آید، گام‌هایی است هر چند کوچک در جهت ایجاد زمینه ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان:

مشارکت معلمان

فراهم کردن زمینه تعادل و مشارکت همه جانبه معلمان

معلم از دیرباز در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است و در برهه کنونی به عنوان کارگزار اصلی آموزش و پرورش، نقشی محوری ایفا می‌کند. از این رو، منشأ ایجاد هرگونه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش را باید در جایگاه و اعتبار محوری معلم جست‌وجو کرد؛ به نحوی که این موضوع در اسناد تحولی، به ویژه برنامه درسی ملی، تأکید شده است. اگر باور عمومی بر این باشد که بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند، به منزلت معلمان بیشتر توجه خواهد شد و تلاش و کوشش برای احیای جایگاه اجتماعی معلمان اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت. بر اساس مطالعات انجام شده در کشورهایی که از نظر آموزش و پرورش موفق‌اند، معلمان از منزلت بالایی برخوردارند و شمار داوطلبان این حرفه، از بسیاری مشاغل دیگر بیشتر است. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند، شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است [امین وزرلی، ۱۳۷۹].

تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً در همه کشورهای



مرتضی باقری دبیر تربیت بدنی معلم نمونه کشوری (۱۳۶۵) کردستان

مرتضی باقری دبیر تربیت بدنی است. مدرک کارشناسی ارشد تربیت بدنی دارد و از سال ۷۷ تاکنون در شهرستان زادگاه خود قروه خدمت می‌کند. وی علاوه بر فعالیت عملی و آموزشی، در امر ورزش و تربیت بدنی، در زمینه نوشتن مقاله و انجام کارهای پژوهشی نیز فعال است. به چند مورد از موفقیت‌ها و فعالیت‌های او اشاره می‌شود:
- ارائه هشت مقاله به همایش‌های گوناگون و مجلات علمی - تخصصی.
- اجرای شش طرح پژوهشی در شهرستان و استان.
- کسب عنوان پژوهشگر و معلم پژوهنده برتر استان کردستان در سال‌های ۸۵ و ۸۸.
ایشان در چندین کنگره و همایش نیز به ایراد سخنرانی پرداخته است.

در مدیریت آموزش و پرورش کشور به منظور افزایش کارایی نظام آموزش ضرورت دارد و این ضرورت، به سیاست‌های کلان دولت برمی‌گردد. وزارت آموزش و پرورش بر اساس اسناد تحولی، در پی کاهش تمرکز و افزایش اختیار و پیاده کردن سیاست مدرسه با نشاط، پویا و بالنده برای ورود دانش‌آموزان به عرصه زندگی است و تحقق این امر، مستلزم مشارکت گسترده معلمان در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی است. نمی‌توان دستگاه اداری یا مالی را از حالت متمرکز به درآورد و در عین حال، پایگاه و نقش معلمان را دست‌نخورده حفظ کرد. بدون ایجاد شرایطی به سمت ارتقای صلاحیت‌ها، جایگاه و استقلال حرفه‌ای معلمان ممکن است به جای افزایش کارایی و کیفیت، به کاهش آن دامن بزند.

تولید علم

ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت در جامعه، امری بسیار ضروری است، زیرا بدون شناخت اهمیت آموزش و پرورش از سوی مردم، نقش حساس عامل اصلی آن (معلم) به درستی درک نخواهد شد. از سوی دیگر، جایگاه تعلیم و تربیت صرفاً از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور امکان پذیر است و برای تغییر سیاست‌های کشور هم ابتدا باید سیاست‌گذاران ما باور داشته باشند که **تعلیم و تربیت کلید پیشرفت کشور** است. این سخن شعار صرف نیست و دست کم در چند کشور نسبتاً موفق از جمله ژاپن، به واقعیت پیوسته است. زمانی که این باور قلبی به وجود آید، سیاست‌های کلان کشور نیز تغییر می‌یابند، منابع انسانی اهمیت پیدا می‌کنند، به تعلیم و تربیت در میان سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری اولویت داده می‌شود، نتایج کار معلمان برای جامعه توجیه می‌شود و حساسیت نقش معلم در توسعه کشور و فناوری به درستی تبیین می‌شود، نگرش و تصورات غلط مسئولان مردم در مورد نسبت دادن نقش مصرف‌کننده به آموزش و پرورش اصلاح می‌گردد و نقش نهضت تولید **نرم‌افزاری علم** در نظام آموزشی به رسمیت شناخته می‌شود.

اقتصاد و معیشت

واقعیت این است که وضع معیشتی معلمان ایران رضایت‌بخش نیست. بهترین شاهد این مدعا سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. در فصل دهم این سند، در بخش نقاط ضعف تنگناها و مشکلات، اشاره شده است که به منزلت و معیشت معلمان توجه کافی نمی‌شود و در آنان انگیزه کافی برای خدمت وجود ندارد [سند برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸]. این یک واقعیت است که بسیاری از معلمان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اکثر آنان یا بیش از یک نوبت کار می‌کنند یا علاوه بر ساعات موظف، به تدریس در مدارس غیرانتفاعی، آموزشگاه‌ها یا تدریس خصوصی مشغول می‌شوند تا بتوانند امرار معاش کنند. چه بسیارند معلمان که به کارهایی جز معلمی، مانند فروشندگی، حسابداری، واسطه‌گری و دیگر مشاغلی از این دست مشغول‌اند. در

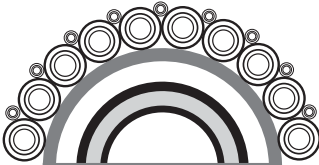
شرایط حاضر، وضعیت معیشتی و رفاهی فرهنگیان از دو جهت ضربات جبران‌ناپذیری را بر آموزش و پرورش وارد می‌سازد؛ اول آن‌که انگیزه و تا حد امکان فعالیت همه جانبه، متعهدانه و ایثارگرانه را از نیروهای موجود آموزش و پرورش سلب می‌کند. دوم، کاهش و حتی از میان رفتن انگیزه افراد مستعد و با کفایت در پیوستن به این بخش زیربنایی و انسان‌ساز جامعه است. بنابراین، تأمین رفاه و رفع فقر و محدودیت از زندگی معلمان ضرورت دارد.

تشکل‌های صنفی

چنانچه معلمان دارای **انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی** با رویکرد تحولی باشند، می‌توان انتظار داشت که این تشکل‌ها از حریم و نقش متعالی معلمی دفاع کنند؛ به طوری که نظام مهندسی و نظام پزشکی می‌توانند از حرفه‌های مهندسی و پزشکی دفاع کنند. وجود تشکل‌های صنفی در میان معلمان، نقش آنان را توسعه می‌دهد. در این صورت، آن‌ها از حالت کارمندی و الزامات محدود کننده آن خارج و به افرادی اثرگذار در سرنوشت خود تبدیل می‌شوند. تقریباً همه صنوف برای دفاع از شأن و اهداف متعالی صنفی خود تشکیل شده‌اند، ولی معلمان که قاعدتاً باید پیش‌تاز باشند، تشکل مناسبی ندارند. آن‌ها به صورت منفعل و گاهی با احساس یأس و درماندگی، در انتظار سرنوشت نامعلوم خویش‌اند و این انفعال، جایگاه و شأن اجتماعی شان را تنزل داده است. معلمان قبل از هر چیز در راستای تحقق رسالت خطیری که بر دوش دارند، باید به آگاهی صنفی و سیاسی دست یابند و قبل از آن که درباره مشکلات خود با جامعه و مسئولان سخن گویند و حقوق فراموش شده خود را از جامعه و نهادهای مسئول مانند مجلس و دولت مطالبه کنند، باید به شناخت و آسیب شناسی وضع موجود آموزش و پرورش همت گمارند، مسائل آموزش و پرورش را اولویت‌بندی کنند و در میان خود، به نوعی اجماع نسبی برسند. در غیر این صورت، گرفتار پراکنده‌گویی و جزئی‌نگری خواهند شد و هیچ کس حرف‌های آنان را جدی نخواهد گرفت.

شایستگی معلمان

بهترین برنامه‌های تحولی نظام آموزش و پرورش در صورتی که معلمان شایسته و با کفایت نباشند، با شکست روبه‌رو خواهد شد. بنابراین، بسیار مهم است که تواناترین افراد، در حرفه معلمی به کار گرفته شوند و به آنان فرصت داده شود که بیش و توانایی خود را طی دوران خدمت افزایش دهند. همان‌طور که ژاپنی‌ها عقیده دارند: شایستگی هر نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است. در حقیقت هیچ کشوری نمی‌تواند از سطح معلمانش بالاتر رود. در کشور ژاپن که به داشتن مدارس برتر جهان معروف است، گرایش جمعی و رقابت برای ورود به آموزش و پرورش، بسیار جدی است و بهترین افراد جذب شغل معلمی می‌شوند. جامعه ژاپن معلم را مظهر تقوا، فضایل اخلاقی و کمالات انسانی می‌داند و



فاطمه سلطان توکلی
معلم نمونه کشوری ۱۳۹۰
قزوین

خانم توکلی اهل الموت است. فوق‌دیپلم عربی را از مرکز تربیت شهدای مکه در تهران گرفته و سپس در رشته کارشناسی معارف به تحصیل ادامه داده‌است. وی دارای ۲۷ سال سابقه خدمت است. ده سال اول را معلم و سپس تا امروز به مدت ۱۷ سال، مدیر دبیرستان شبانه‌روزی دختران در رودبار الموت شرقی بوده‌است.

موفقیت‌های وی به این شرح است: معلم نمونه استانی در سال‌های ۷۸، ۷۶ و ۸۲؛ معلم نمونه کشوری در سال ۹۰؛ کسب رتبه سوم معلمی پژوهنده در استان، کسب رتبه برتر در جشنواره مدیران استانی، و نفر اول استانی در درصد قبولی دانش‌آموزان.

به گفته خودش، با حضور در شبانه‌روزی، وقت بسیاری را صرف گذراندن با بچه‌ها - که هر یک مسائل خاص خود را دارند - می‌کند و به این کار علاقه‌مند است. خانم توکلی از نظر اجتماعی نیز فعال است؛ برای مثال عضو شورای حل اختلاف بانوان در محل است.

از او با عنوان **شن‌سی**، یعنی فردی قابل احترام که از نظر دانش و اخلاق از دیگران برتر است، نام می‌برد. در کشور ما به دلایل گوناگون (افزایش انتظارات جامعه، مدارس ناکارآمد، کمبود منابع و...) انتخاب و تربیت معلم با مشکل جدی مواجه بوده است. برای ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان، لازم است در معیارها و ضوابط گزینش معلم، تحولی اساسی به وجود آید [شاهد، ۱۳۷۹] و از معیارهایی استفاده شود که به صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی مربوط می‌شوند و با استفاده از آن‌ها عملاً می‌توان افرادی معتقد، مستعد و شایسته را وارد آموزش و پرورش کرد. برنامه‌های تربیت معلم هم باید متحول شود؛ چنان که محصول نهایی آن‌ها افرادی برخوردار از صلاحیت‌های حرفه‌ای و ویژگی‌های مطلوب شخصیتی باشد. در چنین شرایطی، می‌توان انتظار داشت که منزلت اجتماعی معلمان ارتقا یابد.

کارایی نظام تعلیم و تربیت

در حال حاضر در آموزش و پرورش، انتصاب‌ها عمدتاً براساس معیارهای اعتقادی و تخصصی انجام نمی‌پذیرد، ملاک‌های ارزش‌یابی مناسب نیست و حتی التزام به رعایت ملاک‌های ارزش‌یابی وجود ندارد؛ نظام شایسته‌سالاری محوریت ندارد و توزیع فرصت‌ها در میان کارکنان عادلانه نیست. اصولاً نظام‌های بزرگ اداری، کارایی کمی دارند. نظام آموزش و پرورش ایران نیز بسیار متمرکز، بزرگ و پراکنده است. بنابراین، امکان مدیریت مطلوب فراهم نیست و کارایی نظام همواره پایین است [یاری، ۱۳۷۵]. در چنین شرایطی، حرفه‌ی معلمی آسیب‌پذیر می‌شود و ارزش خود را از دست می‌دهد. حتی نظام تعلیم و تربیت از عوامل خود (معلمان) غافل می‌شود و این غفلت، شأن معلم را باز هم تنزل می‌دهد، زیرا به قول معروف، احترام

امام‌زاده به متولی آن است.

استفاده مناسب از منابع موجود در نظام تعلیم و تربیت، اعمال انضباط شایسته و ایجاد رابطه روشن میان پاداش‌ها و عملکرد، توزیع عادلانه فرصت‌ها و پرهیز از اعمال تبعیض در میان معلمان و به طور کلی ارزش‌یابی دقیق، علمی و منصفانه از عملکرد معلمان و تقویت شایستگان، موجب افزایش کارایی نظام آموزشی می‌شود و در اثر آن، شأن و جایگاه عاملان اصلی این نظام یعنی معلمان ارتقا می‌یابد.

آموزش و پرورش به عنوان یک نظام، تحت تأثیر نظام‌های بزرگی است که آن را احاطه کرده‌اند. منزلت اجتماعی افراد و گروه‌ها در مقایسه با افراد و گروه‌های دیگر معنا می‌یابد. به نظر می‌رسد، وجود بی‌نظمی‌های اقتصادی و اجتماعی و به همراه آن، وجود ثروت‌ها و موقعیت‌های بادآورده، شأن اجتماعی معلمان را تنزل داده و سبب آن شده است که گروه‌های بی‌هویتی در جایگاهی بالاتر از معلمان قرار گیرند. برای مثال، شغل آزاد که ماهیت چندان مشخصی هم ندارد، در جامعه ما اهمیت و ارزش خاصی پیدا کرده است. بنابراین، با استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی، می‌توان منزلت اجتماعی معلمان را ارتقا داد.

در خاتمه نباید از نظر دور داشت که خود معلمان طبعاً می‌توانند در تغییر شرایط موجود نیز مؤثر واقع شوند. آنان باید باور داشته باشند که سخت‌کوشی و تلاش برای افزایش بصیرت، دانش و تخصص، به همراه احساس مسئولیت و فداکاری و به طور کلی ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای برای انتقال و ارائه شایسته ارزش‌ها به نسل حاضر و آینده، حس قدردانی مردم را تحریک و وجدان عمومی را بیدار می‌کند و این آرزویی است که هرگز با گلابیه، مظلوم‌نمایی و کم‌کاری به واقعیت نخواهد پیوست. از طرف دیگر، مسئولان کشور باید به هوش باشند و بدانند که تحلیل از مفهوم انتزاعی معلم و غفلت از مصادیق این مفهوم، عملاً بی‌فایده است. نگاه‌ها نیازمند تغییرند و نیازهای ارزشی عصر حاضر با حواس گذشته قابل درک نیستند.

منابع

۱. ایبضی، حجت‌الله. "بررسی نیازهای مادی و معنوی (عزت نفس) معلمان و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان". گزارش تحقیق. تهران: اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران. ۱۳۷۶.
۲. براهنی، محمد تقی‌های. "روش‌های گزینش معلم در ایران". نشریه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران. دوره پنجم. شماره‌های اول و دوم. ۱۳۶۴.
۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. "برنامه درسی ملی". اردیبهشت ۱۳۸۹.
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. سند برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸.
۵. شاهد، علی. "جذب نیروی انسانی در آموزش و پرورش معلم". سازمان معلمان تهران. نیمه دوم مهر. شماره ۹. ۱۳۷۹.
۶. یاری، حیدر. "بررسی تأثیر نظام هماهنگ پرداخت کارکنان بر جذب و نگه داشتن نیروی آموزشی مناطق محروم آموزش و پرورش استان لرستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت. ۱۳۷۵.